

بررسی تاریخ مصونیت مستشاران خارجی در ایران

از معاهده‌ی ترکمانچای تا سال ۱۳۴۳

آرزو ربیعی فراهانی

مفهوم کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون از واژه‌ی ایتالیایی «کاپیتولازیونه» یا واژه‌ی لاتین «کاپیتولاره» اخذ شده که به معنای متفاوتی هم چون انعقاد عهدنامه، قرارداد و عهدنامه به کار رفته است [سعید وزیری، ۱۳۵۵: ۳]. در اصطلاح تاریخ حقوق اروپایی، به اسناد یک جانبه یا عهدنامه‌هایی گفته می‌شد که براساس آن، باب عالی (امپراتوری عثمانی) وضعیت حقوقی بیگانگان مقیم امپراتوری عظیم خود را که بخش‌های وسیعی از آسیای غربی و جنوب غربی، آفریقای شمالی و شامات را دربر می‌گرفت، تعیین می‌کرد و امتیازات و معافیت‌هایی به دولت‌های مسیحی اروپایی و اتباع آنان اعطا می‌کرد [همان، ص ۳-۵].

امروزه نیز، کاپیتولاسیون معاهداتی را شامل می‌شود که به موجب آن‌ها، کشوری خارجی در مملکتی دیگر از بعضی حقوق و امتیازات برای اتباعش برخوردار می‌شود که مهم‌ترین این امتیازات، حق قضاوت کنسولی و اجرای مجازات است. بدین امتیاز، قضاوت کنسولی گفته می‌شود، زیرا قوانین آن کشور خارجی توسط

کنسول آن کشور در محل اجرا می‌شود [رک: دهخدا، ۱۳۳۶: ۳۴].

چگونگی پیدایش کاپیتولاسیون

درخصوص علل و چگونگی پیدایش کاپیتولاسیون در جهان، نظرات متعددی مطرح شده است. به نظر برخی محققان، سابقه‌ی پیدایش کاپیتولاسیون به ۱۳ قرن پیش از میلاد مسیح و به حضور فنیقی‌ها در «مفیس» بازمی‌گردد. ظاهراً، فنیقی‌های تاجر و دریانورد، نخستین اقوامی بودند که از امتیازاتی مشابه کاپیتولاسیون بهره‌می‌بردند [علویان، بی‌تا: ۱۲].

و بالاخره برخی دیگر از محققان، اختلاف سطح تمدن و اختلاف قوانین بین کشورهای اسلامی و دولت‌های مسیحی اروپا را، عامل پیدایش کاپیتولاسیون در سرزمین‌های اسلامی ذکر کرده و گفته‌اند، با فاصله‌ی عمیقی که میان قوانین و بنیادهای مذهبی و قضایی مسلمانان با مسیحیان وجود داشت، ساختن پلی روی این فاصله لازم بود و این پل نیز از دید این دسته از محققان و مورخان، همان رژیم قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون بوده است [افشار،

سابقه‌ی کاپیتولاسیون در جهان

که در سال ۱۶۰۰ میلادی به ایران آمده بود، فرمانی صادر کرد که به موجب آن، بازرگانان انگلیسی از تعقیب و محاکمه در محاکم قضایی ایران مصونیت یافتند [ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۴۷؛ سعید وزیری، ۱۳۵۵: ۱۰-۹].

شاه عباس در فرمان خود چنین مقرر کرد:

- قلمروی ایران به روی تمام مسیحیان باز است و هیچ فردی از اتباع ایران، در هر شأن و مقامی که باشد، حق ندارد علیه آنان [اروپاییان] سخنی بگوید.

- هیچ شاهزاده یا حاکم یا امیر یا هر شخص دیگری در هر مقامی که باشد، حق ندارد به تاجران مسیحی که به ایران می‌آیند، صدمه یا آسیبی برساند.

- روحانیون حق ندارند، مزاحم آنان شوند یا در امور آنان دخالت کنند یا در باره‌ی مذهب آنان حرفی بزنند.

- هیچ یک از قضات حق ندارند، برضد آنان یا اموالشان حکمی صادر کنند... [مازندرانی، ۱۳۵۰: ۶۲].

پس از صدور این فرمان، سایر دولت‌های اروپایی نیز مانند فرانسه و هلند موفق شدند، چنین امتیازی از شاه عباس اخذ کنند و اتباع این کشورها نیز مانند اتباع انگلستان در ایران از مصونیت سیاسی و قضایی برخوردار شدند.

کاپیتولاسیون در دوره‌ی قاجار و تفاوت آن با معاهدات کاپیتولاسیونی پیشین

در آغاز قرن نوزدهم میلادی، ایران در دو جنگ از دولت روسیه تزاری شکست خورد که نخستین جنگ به انعقاد معاهده‌ی گلستان در سال ۱۸۱۳ میلادی و دومی نیز به امضای معاهده‌ی ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ میلادی و برقراری رژیم کاپیتولاسیون به نفع اتباع روسیه در ایران انجامید. پس از امضای این معاهده، به جز شهروندان بازرگانان روس، اتباع سایر دولت‌های اروپایی هم بنابر اصل «دولت کامله‌الوداد» در سرزمین ما از امتیاز قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) برخوردار شدند [هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۳: ۲۳۷].

اما کاپیتولاسیون اعمال شده در دوره‌ی قاجار با قراردادهای کاپیتولاسیون عهد ایلخانان مغول و دوره‌ی صفویه تفاوتی فاحش داشت. در دوره‌های پیشین، پادشاهان ایران از روی میل و رغبت و با هدف توسعه‌ی روابط سیاسی و تجاری خود با اروپاییان، چنین امتیازاتی به آنان اعطا می‌کردند، در حالی که در دوره‌ی قاجار، کاپیتولاسیون به سبب شکست در جنگ و ضمن معاهده‌ی ترکمانچای به ایران تحمیل شد.

به هر حال، به موجب فصل هفتم و هشتم عهدنامه‌ی تجاری

بنابر نظر بسیاری از مورخان، سلطان محمدفتح (امپراتور عثمانی) پس از تصرف قسطنطنیه و براندازی امپراتوری کهن بیزانس در سال ۱۴۵۳ میلادی، امتیازات و مزایای بسیاری به بیگانگان و مسیحیان مقیم امپراتوری عثمانی داد و بدین وسیله، کاپیتولاسیون را در کشورش پایه‌گذاری کرد. مورخان اذعان کرده‌اند که وی پس از فتح قسطنطنیه (استانبول امروزی) و ورود به این شهر، تمامی نمایندگان کلیسای ارتدکس یونانی و کلیسای ارمنی و بزرگان یهود ساکن این شهر را احضار و به آنان اعلام کرد که می‌توانند، آزادانه مراسم دینی و قوانین مذهبی خود را انجام دهند، بدون آن‌که کسی ممانعتی به وجود آورد. او با رهبران مذهبی ادیان مختلف ساکن این شهر بسیار محترمانه رفتار کرد [پورگشتال، ۱۳۶۷: ۵۰۸-۵۰۷؛ گرامی، ۱۳۳۵: ۳۸-۳۷].

پس از سلطان محمدفتح، سایر امپراتوران عثمانی نیز از وی تبعیت کردند و امتیازات مذهبی و قضایی مشابهی به مسیحیان و بیگانگان این کشور اعطا کردند. به هر حال، در سال ۱۵۳۵ میلادی بین سلطان سلیمان قانونی، امپراتور عثمانی و فرانسوای اول، پادشاه فرانسه، عهدنامه‌ای منعقد شد که اکثر مورخان آن را نخستین معاهده‌ی کاپیتولاسیون منعقد شده در جهان دانسته‌اند [حسام معزی، ۱۳۶۶: ۱۱۶-۱۱۵]. به جز امپراتوری عثمانی، دیگر کشورهایی که در آن‌ها رژیم قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) برقرار شد، عبارت بودند از:

- از قاره‌ی آفریقا: تونس، مراکش، حبشه، مصر، الجزایر و زنگبار؛
- از قاره‌ی اروپا: یونان، کرت و کشورهای حوزة دریای بالتیک؛
- از شرق آسیا: چین، ژاپن، کره و سیام؛
- از غرب آسیا: ایران، مسقط، عراق، بحرین [رئیس، ۱۳۰۶: ۳].

سابقه‌ی کاپیتولاسیون در ایران

در ایران نیز نخستین بار در دوره‌ی حاکمیت مغولان، امتیازاتی مشابه کاپیتولاسیون به اروپاییان واگذار شد [اشپولر، ۱۳۶۵: ۲۲۹]. که سبب واگذاری آن، تلاش ایلخانان مغول برای اتحاد با دولت‌های اروپایی برضد ممالیک مصر و اهمیت توسعه‌ی روابط بازرگانی و تجاری آسیا و اروپا در این زمان بوده است. افزون بر آن، شاه عباس صفوی نیز به خواهش سرآنتونی شرلی، نماینده‌ی ویژه دولت انگلستان



سلطان سلیمان

ترکمانچای، نظام قضاوت کنسولی به نفع اتباع روس مقیم ایران برقرار شد. براساس فصل هفتم معاهده مذکور:

الف) اگر هر دو طرف دعوی در پرونده‌ی مطروحه در ایران، از اتباع روسیه بودند، دعوی در صلاحیت انحصاری کنسولگری سفارت روسیه در ایران و بدون هیچ مداخله‌ای از سوی مراجع قضایی ایران قرار می‌گرفت.

ب) اگر یک طرف دعوی در پرونده‌ی مطروحه در ایران، از اتباع روسیه و طرف دیگر، تبعه‌ی دولت‌های خارجی (غیرایرانی) بود، مراجع قضایی ایران صلاحیت رسیدگی به دعوی را نداشتند؛ مگر این که هر دو طرف برای محاکمه شدن توسط دادگاه‌های ایران توافق می‌کردند.

ج) اگر یک طرف دعوی در پرونده‌ی مطروحه در ایران، از اتباع روسیه و طرف دیگر، تبعه‌ی دولت ایران بود، پرونده در دادگاه ویژه‌ای با حضور و مشارکت کنسول روسیه و نماینده‌ی دولت ایران، اما براساس قوانین روسیه حل و فصل می‌شد.

براساس فصل هشتم این معاهده: هرگونه تعقیب جزایی اتباع روسیه در خاک ایران، در صلاحیت انحصاری کنسولگری روسیه قرار داشت و محاکمه براساس قوانین کیفری روسیه برگزار می‌شد.^۲ از جمله آثار سوء برقراری رژیم قضاوت کنسولی در ایران، می‌توان به ترور مرتضی علی قلی خان صنیع الدوله، رئیس نخستین دوره‌ی مجلس شورای ملی و وزیر مالیه و معارف عصر مشروطیت، اشاره کرد که به دست دو تن گرجی از اتباع روسیه‌ی تزاری کشته شد و آنان با استفاده از مصونیت سیاسی و قضایی خود، از تعقیب، محاکمه و مجازات‌گیریختند [هدایت، ۱۳۶۳: ۲۸۸-۲۸۷].

آثار و نتایج سیاسی و اجتماعی برقراری نظام کاپیتولاسیون در ایران

۱. دخالت سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی در امور داخلی ایران به بهانه‌ی حمایت از اتباع خود که نتیجه‌ی ملموس این سیاست، ایجاد هرج و مرج، آشفتگی و عقب‌ماندگی قضایی و توسعه نیافتن نظام دادرسی کشور بود.

۲. کنسولگری‌های بیگانه در بسیاری از موارد، بخش مهمی از محاکمات را براساس میل، مصلحت و منفعت کشور، اتباع و مزدوران خود فیصله می‌دادند [سعید وزیری، ۱۳۵۵: ۱۷-۱۶].

۳. ارتکاب بیگانگان به قتل و اقدامات تروریستی [هدایت، ۱۳۶۳: ۲۸۸-۲۸۷]؛ همانند ترور میرزا مرتضی علی قلی خان صنیع الدوله که پیش‌تر به آن اشاره کردیم.

۴. جسارت و گستاخی اتباع خارجی، به ویژه روس‌ها، در آزار و اذیت مردم و بی‌اعتنایی آنان به نظارت و دخالت مسئولان امنیتی و انتظامی ایران. برای مثال، ادوارد براون درباره‌ی عملکرد و رفتار سربازان روس در ایران چنین نوشته است: «سربازان روس در شهرها

آزاد بودند. به زنان و کودکان آزار می‌رساندند و حتی مقامات پلیس نیز حق مداخله نداشتند. مرتکبین بی‌نظمی، در خانه مفسدین راه داده می‌شدند و با استفاده از حقوق سیاسی [کاپیتولاسیون] پلیس از مداخله و بازداشت ممنوع بود و با این روش، همه‌گونه تسهیلات برای پناه دادن و واگذاری آن‌ها فراهم است» [براون، ۱۳۳۸: ۷۲].

۵. بسیاری از متجاوزان به حقوق مردم، به منظور رهایی از دست شاکیان و فرار از مجازات توسط دادگاه‌های خودی، به تابعیت بیگانگان در می‌آمدند و از رژیم قضاوت کنسولی در ایران بهره‌مند می‌شدند. [رک: فصل‌نامه ایران، ۱۳۷۹: ۸].

۶. علاوه بر مجرمان و متجاوزان به حقوق مردم، صاحبان برخی مشاغل نیز برای سوءاستفاده از قدرت خارجی و امتیاز کاپیتولاسیون آنان و بهره‌کشی از مردم و مصونیت از مجازات، از بیگانگان ورقه‌ی تابعیت می‌گرفتند. عسگر گاریچی نمونه‌ای از این افراد بود که در زمان سلطنت ناصرالدین و مظفرالدین شاه، مقاطع کاری حمل مسافر بین تهران و قم را بر عهده داشت و چنان مردم را آزار و اذیت می‌کرد که هنگام آغاز جنبش مشروطه یکی از خواسته‌های تحصن‌کنندگان، علاوه بر تأسیس عدلیه، عزل وی از مقاطع کاری بین قم و تهران بود [رک: کسروی، ۱۳۵۵: ۵۱۸-۵۱۷].

فراهم شدن مقدمات الغای کاپیتولاسیون

وقوع دو رویداد، یعنی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی روسیه و الغای کاپیتولاسیون در ترکیه در سال ۱۹۱۸ میلادی، زمینه‌هایی مناسب برای الغای کاپیتولاسیون در ایران فراهم آورد [سعید وزیری، ۱۳۵۵: ۲۶-۲۵]. بدین سبب دولت‌هایی که از این زمان به بعد برسر کار آمدند، لغو کاپیتولاسیون را در سرلوحه و رأس برنامه‌های کابینه‌ی خود قرار دادند.

نخستین رئیس‌الوزرای که کاپیتولاسیون را به طور ناگهانی و یکجانبه لغو کرد، سپهدار تنکابنی بود که در سال ۱۹۱۰ میلادی، الغای رژیم قضاوت کنسولی را در ایران اعلام [هدایت، ۱۳۶۳: ۲۵۲] و به قول مخبرالسلطنه هدایت: «اگرچه در آن وقت، بی‌تدارک بود، ولی نغمه‌ای بود در گوش‌ها» [پیشین]. سپس، صمصام‌السلطنه بختیاری نیز در آخرین لحظات عمر کابینه‌ی خود، با صدور تصویب‌نامه‌ای در سال ۱۹۱۸ میلادی، کاپیتولاسیون را به طور یکجانبه لغو کرد [زرنگ، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۳]. پس از وی، وثوق‌الدوله نیز با تشکیل کمیسیونی برای بررسی چگونگی الغای کاپیتولاسیون و اعزام هیئتی به کنفرانس صلح ورسای، در صدد الغای کاپیتولاسیون برآمد.^۳

در سال ۱۲۹۹ هجری شمسی، سیدضیاءالدین طباطبایی پس از کودتا در سوم اسفند همین سال، اعلامیه‌ای صادر کرد و در آن، الغای کاپیتولاسیون را به سفارت‌خانه‌های خارجی و مردم وعده داد [امین، ۱۳۸۳: ۳۹].

اما باوجود الغای یکطرفه‌ی کاپیتولاسیون از سوی

ریس الوزراهای مزبور، به سبب فقدان نظام قضایی کارآمد و قوی و فقدان قوانین مدون قضایی در ایران و انطباق کامل نظام قضایی ایران بر شرع اسلام، دولت‌های اروپایی دارای امتیاز کاپیتولاسیون در ایران، بالغای آن موافقت نکردند.

الغای کاپیتولاسیون در دوره رضاخان

کاپیتولاسیون در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ به دستور رضاخان لغو شد. در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸، اداره‌ی کل محاکمات وزارت خارجه که به رسیدگی به دعاوی اتباع خارجی اختصاص داشت، منحل گردید و رسیدگی به دعاوی اتباع خارجی پس از انجام اصلاحات مفصلی در نظام قضایی و دادگستری ایران، در صلاحیت دادگاه‌های ایرانی قرار گرفت [امین، ۱۳۸۲: ۵۴۷].

احیای کاپیتولاسیون در دوره پهلوی دوم

بار دیگر در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی، با تصویب لایحه‌ی الحاقی کنوانسیون وین (لایحه‌ی الحاقی اعطای مصونیت سیاسی و قضایی به مستشاران نظامی آمریکا در ایران) در مجالس شورای ملی و سنا، کاپیتولاسیون احیا شد. حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت،

در صدد دریافت وامی ۲۰۰ میلیون دلاری از ایالات متحده آمریکا بود و به محمدرضا پهلوی نیز وعده داده شده بود که در صورت پذیرش و تصویب لایحه الحاقی مصونیت نظامیان آمریکایی در ایران، اسلحه و هواپیماهای جنگی مدرن در اختیارش خواهند گذاشت. بدین ترتیب، با مساعی و تلاش‌های حسنعلی منصور و میرفندرسکی، معاون وزارت امور خارجه آن زمان، این لایحه در مجلسین ایران تصویب و کاپیتولاسیون بار دیگر در سال ۱۳۴۳ احیا شد که با واکنش شدید آیت‌الله العظمی حاج سیدروح‌الله خمینی (ره) (امام خمینی) مواجه گردید.

الغای مجدد کاپیتولاسیون

قانون استفاده‌ی مستشاران آمریکایی از کاپیتولاسیون، مصوب ۳۱ مهر ۱۳۴۳، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به پیشنهاد شورای انقلاب در اردیبهشت ۱۳۵۸، رسماً لغو شد [روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸].

پی‌نوشت:

۱. برای آگاهی از مفاد عهدنامه‌ی منعقد شده با هلند، ر. ک: فلسفی، ۱۳۵۲: ۱۲۷.
- برای آگاهی از چگونگی انعقاد عهدنامه با فرانسه، ر. ک: صدر، ۱۳۲۲: ۹۰ و سعید وزیری، ۱۳۵۵: ۱۲-۱۱.

۲. برای اطلاع کامل از فصل‌های هفتم و هشتم معاهده‌ی تجاری ترکمانچای و سایر مفاد آن، ر. ک: شریف، ۱۳۵۴، صص ۱۶-۱۰؛ علی‌اکبر بینا، تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران از گنبد ترکمن‌چای، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷، صص ۳۰۹-۳۰۵.
۳. برای آگاهی کامل از نحوه‌ی فعالیت این کمیسیون، ر. ک: سپهر (مورخ الدوله)، ۱۳۶۲.

منابع

۱. سعید وزیری، ایرج. نظام کاپیتولاسیون و الغای آن در ایران. دفتر حقوقی وزارت امور خارجه. تهران، ۱۳۵۵.
۲. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه (ذیل واژه کاپیتولاسیون) دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
۳. عنون‌بان قوانینی، محمدتقی. شناخت حقیقت کاپیتولاسیون گناهی که هوبدا به آن اعتراف کرد. ناشر مؤلف. [بی‌تا].
۴. گرامی، محمدعلی. تاریخ اقتصادی سیاسی اجتماعی و نظامی دوران رضاشاه (ج ۱). چاپ کوروش. شیراز، ۱۳۳۵.
۵. مبین دفتری، احمد. «تازه‌های قضایی و دادگستری». مجله‌ی حقوقی وزارت دادگستری. شماره‌ی سوم، ۱۳۳۸.
۶. افشار، محمود. مسئله‌ی کاپیتولاسیون. مجله‌ی آینده. تهران. شماره‌ی ۱۵. تیرماه ۱۳۰۶.
۷. پورگشتال، هاسر. تاریخ امپراتوری عثمانی (ج ۱). ترجمه‌ی میرزاکی علی‌آبادی. به اهتمام جمشید کیانفر. انتشارات زرین. تهران. چاپ اول، ۱۳۶۷.
۸. حسام‌معزی، نجفعلی. تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا. به کوشش همایون شهیدی. انتشارات نشر علم. تهران. چاپ اول، ۱۳۶۶.
۹. ربیسی، محسن. «کاپیتولاسیون». روزنامه‌ی ایران جوان. تهران. سال اول. شماره‌ی سوم. ۳۰ خرداد ۱۳۰۶.
۱۰. اشپولر، برتولد. تاریخ مغول در ایران. ترجمه‌ی محمود میرآفتاب. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ دوم، ۱۳۶۵.
۱۱. ویلسن، آرنولد. خلیج فارس. ترجمه‌ی محمد سعیدی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ دوم، ۱۳۶۶.
۱۲. مازندرانی، وحید. مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی. وزارت امور خارجه شاهنشاهی. تهران، ۱۳۵۰.
۱۳. فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول (ج ۵). انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
۱۴. صدر، کاظم. تاریخ سیاست خارجی ایران. ترجمه‌ی جواد صدر. اداره‌ی مضموعاتی پروس. ۱۳۲۲.
۱۵. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی. چاپ نهم، ۱۳۸۳.
۱۶. هدایت، خیرالسلطنه. خطرات و خطرات. کتابفروشی زوار. تهران، ۱۳۶۳.
۱۷. شریف، علی‌اصغر. کاپیتولاسیون و عرضه‌چی‌ها. چاپ کوروش. تهران، ۱۳۵۴.
۱۸. بینا، علی‌اکبر. تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران از گنبد تا ترکمنچای (ج). انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
۱۹. براون، ادوارد. انقلاب ایران. ترجمه‌ی احمد پزیره. کانون معرفت. تهران، ۱۳۳۸.
۲۰. فصل‌نامه ایران، چاپ لندن، شماره ۹، ۱۳۷۹ شمسی.
۲۱. کسروی، احمد. تاریخ هجده ساله آذربایجان. امیرکبیر. تهران، ۱۳۵۵.
۲۲. هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدی قلی. گزارش ایران. به اهتمام محمدعلی صوبی. نشر نقره. تهران. چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۲۳. سپهر (مورخ الدوله). ایران در جنگ بزرگ. ادیب. تهران. چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۲۴. زرنگ، محمد. تحول نظام قضایی ایران از انقلاب مشروطه تا سقوط رضاشاه (ج ۱). [بی‌تا].
۲۵. امین، سیدحسین. «کاپیتولاسیون در ایران از معاهده ترکمانچای تا سقوط پهلوی». ماه‌نامه‌ی حافظ. شماره‌ی سوم، ۱۳۸۳.
۲۶. تاریخ حقوق ایران، دایرةالمعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۲.
۲۷. روزنامه‌ی اطلاعات. دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸.

